



نیایش

جلد اول:

دعا کردن را به ما تعلیم نما

کشیش جیمز سی. تورو

سه بخش اول این کتاب ترجمه ای است از:

Prayer

by : Rev. James C. Turro

فهرست

۲	مقدمه
۴	بخش اول : دعا در عهد عتیق
۱۰	بخش دوم: دعا در عهد جدید
۲۳	بخش سوم: دعا در کلیسا
۳۱	بخش چهارم: تعلیمات پدران کلیسا

خواننده عزیز

مطالعه عمیق کتابی که در دست دارید شما را در انجام دعای روزمره یاری می‌دهد.

چنان که می‌دانید دعا برای هر شخص مسیحی امری است بسیار ضروری و مفید و به این دلیل است که خداوند ما عیسی مسیح بر اهمیت دعا تأکید بسیار می‌نماید. خود وی نیز وقت زیادی برای دعا کردن اختصاص می‌داد.

در انجیل لوقا (۲۲: ۴۶) عیسی به شاگردانش می‌فرماید: «برخیزید و دعا کنید تا از وسوسه دور بمانید...».

و باز در انجیل لوقا (۱۸: ۱) می‌فرماید: «همیشه باید دعا کرد و کاهلی نورزید».

و پولس در رومیان ۸: ۲۶ می‌گوید: همچنین روح نیز ضعف ما را مدد می‌کند زیرا که آنچه دعا کنیم به طوری که می‌باید نمی‌دانیم لکن خود روح برای ما شفاعت می‌کند به ناله‌هایی که نمی‌شود بیان کرد.

علاوه بر این کتاب می‌توان از کتابهای زیر که در کانون یوحنا رسول منتشر شده استفاده کرد: ۱- داستانهایی از تجارب روحانی یک زائر روس، ۲- تسبیح جهت دعای مداوم، ۳- دعای سپاسگزاری بر سر سفره غذا، ۴- مزامیر و سرودهای کتاب مقدس، ۵- راه صلیب، ۶- در طلب روح القدس، ۷- دعای برخاسته از دل، ۸- خدای زنده، مقدمه (نیایش مسیحی) و اختتامیه (نیایش «ای پدر ما»)، ۹- جلد دوم همین کتاب با عنوان «دعاهای شخصی».

امیدواریم که این کتاب شما را در بهتر دعا کردن یاری نموده و باعث تقویت ایمان و امید و محبت شما و کلیسا گردد.

فیض خداوند ما عیسی مسیح، و محبت خدای پدر، و همبستگی روح القدس همیشه با شما باد.

مقدمه

چرا باید دعا کرد؟ قبل از هر چیز، بی مناسبت نیست که در مورد سؤال فوق کمی فکر کنیم. ممکن است پاسخ های مختلفی برای این پرسش داده شود: چون از بیچگی به ما گفته یا یاد داده اند که باید دعا کنیم. در کلیسا به ما می گویند و کتاب مقدس نیز مکرراً یادآوری می کند که باید دعا کرد... بدون شک همه ایمانداران دعا می کنند. اما دعا کردن، مانند هر عمل دیگری، باید با روش صحیح و خاصی انجام گیرد، غیر از دعا های آزاد (راز و نیاز شخصی)، که هر کس بنا به خواسته و میل خود دعا می کند.

با انجام دعای مداوم و رعایت روش صحیح دعا کردن، شخص به تدریج متوجه قدرت دعا در باطن خود شده، آرامش و اطمینان و شادی در خود احساس می کند و از آنجا به گنج گرانبهایی که در باطن خود یافته، پی می برد. دعا کردن همچنین باعث تقویت جسم و روان در دوره های مختلف زندگی می شود.

دعا را همیشه با اشتیاق و از صمیم قلب و با حالت احترام و با کلمات شمرده انجام دهید چون دعا کردن یعنی گفتگو با خدا. در این خصوص تعلیمات پدران کلیسا را با دقت مطالعه و تعمق نمایید، آنها را همواره مرور نموده و در دعا کردن و نیز در زندگی خود به کار بندید.

هر فرد مسیحی علاوه بر انجام دعای روزانه باید سعی کند در نماز یکشنبه نیز شرکت نماید. در واقع نماز یکشنبه مکمل دعا های شخصی و انفرادی است زیرا نماز کلیسا و قربانی مقدس، منبع عظیم فیض و برکت و نجات در زندگی ایمانداران است.

دعا عاملی است که ما را به قلمرو روح القدس وارد می سازد، قلمروی که خداوند در آن اراده و مقصود خود را آشکار می سازد. دعا یک عامل ارتباطی بین ما و خداوند و در حقیقت رابطه ای اساسی با خداست که از طریق روح القدس صورت می گیرد.

چرا باید دعا کرد؟ ما باید دعا کنیم چون در کتاب مقدس گفته شده: «پس آرزوی این دارم که مردان دستهای مقدس را بدون خشم و نزاع بلند کرده در هر جا دعا کنند» (۱- تیموتاؤس ۲: ۸). همچنین در ۱- تسالونیکیان (۵: ۱۷) می خوانیم: «پیوسته دعا کنید. برای هر چه که پیش آید خدا را شکر کنید زیرا خداوند در مسیح عیسی از شما همین انتظار را دارد.»

همان طور که اشاره شد دعا رابطه ای اساسی با خداست، بنابراین شایسته است این ارتباط مستمر و از صمیم قلب باشد. در هنگام دعا کردن باید تمام فکرمان متمرکز این رابطه باشد. استمرار در دعا و خلوص نیت در آن، این امکان را به ما می دهد تا در مسیح بمانیم: «اگر در من بمانید و سخنان من در شما بماند هر چه می خواهید بطلبید و حاجت شما برآورده می شود» (یوحنا ۱۵: ۷). مهم این است که خدا را با صمیمیت و با تمام فکر و قلب خود عبادت کنیم (یوحنا ۴: ۲۳). در دعا، طلب ما باید به نام مسیح باشد: «هر چیزی به نام من بخواهید آن را خواهم داد تا پدر در پسر جلال یابد. اگر چیزی به نام من بخواهید آن را انجام خواهم داد» (یو ۱۴: ۱۳).

این کتاب با هدف تأمین نیازهای روحانی و ارتقاء فرهنگ دعا در بین ایمانداران مسیحی نگاشته شده است تا این فرصت بیش از پیش به ما داده شود که در خانه به صورت فردی یا جمعی دستها را به آسمان برافرازیم و خدا را از صمیم قلب ستایش کنیم، باشد که دعاهای ما مستجاب گردند.

«در آن روز دیگر از من چیزی نخواهید پرسید. یقین بدانید که هر چه به نام من از پدر بخواهید به شما خواهد داد. تاکنون چیزی به نام من نخواسته اید بخواهی د تا به دست آرید و شادی شما کامل گردد» (یو ۱۶: ۲۳).

بخش اول

دعا در عهد عتیق

دعای هر شخص، به وضوح نمایانگر اعتقادات مذهبی اوست. قبل از بررسی دعا در زمان عهد عتیق، بد نیست در مورد تصور عبرانیان از خدا و همچنین شناخت خدا از دیدگاه آنان تحقیقی به عمل آوریم. عبرانیان، با وفاداری به دید غیرنظری خود از زندگی، نمی توانستند خود را با شناختن خدا به بیرنگی و منطق سرد فیلسوفانه ای که تقریباً متداول دوران تمدن فعلی است، قانع سازند. آنها ترجیح می دادند به خدا به صورت یک شخص نزدیک شوند. تصور آنها از خدا به صورت پدر، خالق، داور و کسی بود که انسان می توانست از راه محبت به او نزدیک شود. به عبارت دیگر عبرانیان نه تنها با تفکر به شناخت خدا می پرداختند، بلکه با تمام وجود یعنی فکر و اراده و قلب خود در پی به دست آوردن تجربه ای از خدا بودند. با چنین برداشتی از خدا، تعجب آور نیست که دعای انسان عهد عتیق سرشار از گرمی و صمیمیت بخصوصی بوده باشد.

با وجودی که سرتاسر عهد عتیق مملو از دعا و اشاراتی به دعاست با این حال هیچ یک از آنها به اندازه مزامیر غنی و لبریز از دعا نمی باشد. مزامیر مجموعه ای از اشعار مذهبی است که در طول مدت زمان بسیار درازی یعنی در طی حدود ده قرن تنظیم گردید. از همان ابتدا از مزامیر به عنوان کتاب دعای قوم خدا استفاده می شد و در عهد جدید نیز برای همین منظور به کار برده می شود. طبق تحقیقاتی که به عمل آمده، در اناجیل صدها بار به این مزامیر اشاره شده است. مزامیر همچنین در عبادت کلیسا نیز سهم بزرگی دارند. بهترین نمونه، آیین کلیساست که قسمت عمده آن را مزامیر تشکیل می دهد.

در زمان عهد عتیق از بعضی مزامیر برای مراسم عبادت دسته جمعی که در معبد برگزار می شد، استفاده می کردند. بعضی مزامیر دیگر، هم در دعای دسته جمعی و

هم در دعای شخصی به کار می رفت. آیات اولیه مزمور ۱۲۰ نشان می دهد که این مزمور به احتمال زیاد یکی از آن مزامیری است که برای عبادت شخصی استفاده می شده: «نزد خداوند در تنگی خود فریاد کردم و مرا اجابت فرمود» (مزمور ۱۲۰:۱).

در مزامیر دو حالت دعا که مشخص کننده موضوع آن است یافت می شود، یکی حالت ستایش و دیگری احساس تهیدستی.

حالت ستایش

مزامیر ستایش این منظور را می رساند که انسان کاملاً از برتری جلال و شکوه خدا آگاه است: «آسمان جلال خدا را بیان می کند و فلک از عمل دستهایش خبر می دهد» (مزمور ۱۹:۱). این مزامیر همچنین یادآور کارهای شگفتی هستند که خدا در حق قوم خود برای حمایت و سعادت‌مندی آنها انجام داده است.

دست راست و بازوی قدوس او، او را مظفر ساخته است.

خدا نجات خود را اعلام نموده و عدالتش را به نظر امتها مکشوف کرده است.

رحمت و امانت خود را با خاندان اسرائیل به یاد آورد.

همه اقصای زمین نجات خدای ما را دیده اند (مزمور ۹۸:۱-۳).

غیرقابل تصور است که کسی قدرت و جلال خدا را تجربه کند و واکنشی نشان

ندهد. نگارنده مزمور در بیتی شورانگیز بشر و سایر مخلوقات طبیعت را به

شادمانی در عظمت خداوند دعوت می کند.

هلولیاه خدا را در قدس او تسبیح بخوانید.

در فلک قوت او را تسبیح بخوانید...

هر که روح دارد خداوند را تسبیح بخواند، هلولیاه (مزمور ۱۵۰:۱، ۶).

دریا و پری آن بخروشد. ربع مسکون و ساکنان آن.

نهرها دستک بزنند و کوهها با هم ترنم نمایند

به حضور خداوند زیرا به داوری جهان می آید... (مزمور ۹۸:۷-۹).

احساس تهیدستی

مفهوم نهانی دیگری که در سرتاسر مزامیر جریان دارد احساس تهیدستی است که در نتیجه برخوردهای دشوار و دائمی انسان با شکست و ناامیدی در وی پرورش می‌یابد. در مزامیر اغلب احساس بی‌کفایتی و ناشایستگی انسان با بیانی تند و پرحرارت ابراز می‌شود. انسان با دلی افسرده و در عین حال امیدوار به حمایت خدا، به درگاهش فریاد برآورده می‌گوید:

ای یهوه خدای نجات من،
شب و روز نزد تو فریاد کرده‌ام
دعای من به حضور تو برسد.
به ناله من گوش خود را فراگیر،
زیرا که جان من از بلایا پر شده است.
و زندگانیم به قبر نزدیک گردیده...
چشمانم از مذلت کاهیده شد،
ای خداوند نزد تو فریاد کرده‌ام تمامی روز،
دستهای خود را به تو دراز کرده‌ام...
و اما من نزد تو ای خداوند فریاد برآورده‌ام،
و بامدادان دعای من در پیش تو می‌آید (مزمور ۸۸: ۱-۱۳).

در درون این انسان، خلأ بزرگی وجود دارد که تنها خدا می‌تواند آن را پر نماید. پس این دو حالت، موضوعات اصلی دعایی را که در مزامیر مشاهده می‌شود تشکیل می‌دهند. حالت اول یعنی عبادت در حقیقت به نحو عمیقی عظمت باشکوه خدا را نمایان می‌سازد و حالت دیگر یعنی التماس، درخواست خالصانه‌ای است برای یاری از درگاه خدا، فریادی که از درون آشفته و درمانده انسانی که از ناتوانی و بی‌کفایتی خود آگاه است، بیرون می‌آید.

سرود روحانی

این دو حالت دعا که در بالا ذکر شد، در اکثر مزامیر جلوه می‌کند. سرود روحانی یکی از انواع دعاهاست که به کرات با آن مواجه می‌شویم و نکته اصلی

آن نیایش می باشد، اما نیایشی خودخواهانه به درگاه خدا نیست که به صورت تعارف قبل از یک درخواست شخصی باشد و حتی هیچ اثری از درخواست و استغاثه در آن وجود ندارد. این سرودها نه شفاعتی برای خود شخص است و نه برای دوستان و آشنایان بلکه محور اصلی آن خدا و شکوه و جلال او می باشد. در حقیقت نکته اساسی این نوع مزامیر فقط خدا است، پس این مزامیر بیان خالصانه اعتقادات مذهبی می باشد.

بیشتر اوقات سرود روحانی به صورت ندایی که انسان را به نیایش خدا دعوت می کند، آغاز می شود: «هللویاه ای بندگان خداوند تسبیح بخوانید. نام خداوند را تسبیح بخوانید» (مزمور ۱۱۳: ۱). «ای جمیع امتهای خداوند را تسبیح بخوانید» (مزمور ۱۱۷: ۱). معمولاً پس از این دعوت به ستایش، دلایل ستودن خدا را ذکر می کنند. صفات منحصر به فرد خدا و لطف بی پایانی که به قوم خود عطا کرده، انگیزه های با ارزشی برای تمجید خدا هستند. «کارهای عجیب او را به یاد آورید. آیات او و داوریهای دهان او را» (مزمور ۱۰۵: ۵). اغلب اوقات سرودهای روحانی به همان صورتی که شروع می شوند یعنی با دعوتی گرم و قاطع به تجلیل از جلال خدا، پایان می پذیرند.

مزامیر استغاثه

از نوع دیگر مزامیر، مزمورهای التماس و درخواست می باشد. این مزامیر انسان را در حالی که در محاصره دشمنان یا به عبارت دیگر در رنج و آزار است، مجسم می سازد. انسان در حالی که قربانی حوادث است، ناراحتی هایش را برای خدا بازگو می کند و از وی طلب کمک می نماید.

چنین مزمورهایی با خطابی مستقیم به خدا آغاز می گردد حتی اگر این خطاب تنها ندای نام وی در کمال اضطراب باشد. سپس انسان حالت درماندگی و بحرانی را که دچار آن گشته، تشریح می نماید و به عجز و ناتوانی خود جهت حل مشکلات با صراحت اعتراف می کند. این اعترافات در مزامیر به صورت دعوتی برای دخالت خدا معرفی می شوند، دخالتی که انسان با تمام وجود خواستار آن است.

احساسی که در پایان این مزامیر ابراز می شود معمولاً اعتمادی پیروزمندانه به خدا و اعتقادی راسخ به این امر است که خدا درخواست و التماس را شنیده، عمل خواهد نمود.

به همین سبب بر خداوند توکل دارم و انتظار می کشم تا بر حسب وعده خود مرا یاری فرماید. من بیش از پاسداران که در انتظار طلوع فجر هستند، انتظار خداوند را می کشم. ای اسرائیل در خداوند امیدوار باش، زیرا او رؤوف و مهربان است و نزد اوست نجات فراوان (مزمور ۱۳۰: ۵-۷).

مزامیر شکرگزاری

موضوع اصلی مزامیر شکرگزاری، انگیزه سپاس از خداست. این مزامیر گاهی اوقات با تأکیدی بر موضوع اصلی خود آغاز می شوند: «خداوند، تو را به تمامی دل شکر می گویم» (مزمور ۱۳۸: ۱). سپس شرح حالی از صدمات و مخاطراتی که انسان با آن مواجه بوده، داده می شود. انسان هنگامی که در محاصره موقعیتهای خطرناک قرار می گیرد، پی می برد که ضعفش وی را در حالت بدتری قرار می دهد. و بالأخره آشکار می شود که خدا سختی ها و ناراحتی های انسان را تسکین خواهد داد. طبیعتاً در پایان این مزامیر انسان تعهد می نماید که تا ابد از خدا سپاسگزاری نماید و در برخی از آنها از همگان دعوت می شود که در این شکرگزاری شرکت جویند.

کتاب مزامیر، منعکس کننده زندگی و تقوی

مزامیر در زندگی به صورت استواری پایه گذاری شده اند. حتی یک قرابت سطحی و سریع این حقیقت را آشکار می سازد. مطمئناً مزامیر دعاهایی هستند که از زندگی روزانه الهام گرفته اند. در مزامیر هر طبقه ای از جامعه درخواستهای خود را بیان می نماید. مانند آنانی که در تنگنا هستند، زائران، تبعیدشدگان، زندانیان، بیماران، مستمندان و خلاصه انسانها در هر حال و شرایطی، تقاضای خود را در مزامیر ابراز نموده اند. به عنوان مثال مزموری درباره رضایت از زندگی زناشویی

می گوید: «زن تو مثل مو بارآور به اطراف خانه تو خواهد بود و پسرانت مثل نهالهای زیتون گرداگرد سفره تو» (مزمور ۱۲۸: ۳). مطمئناً این مردم عقیده داشتند که دعایشان به سوی خدایی که با علاقمندی به آنها توجه دارد، هدایت می شود، خدایی که مثل دوست به کوچکترین جزئیات زندگی آنان توجه می کند. آنچه برای آنها مهم بود، برای خدا نیز اهمیت داشت، پس می شد به راحتی در دعا به آن اشاره کرد. دعای عهد عتیق از واقعیتی نافذ و مفهومی کامل و جامع برخوردار است که با تیزبینی تمام ابعاد زندگی یعنی فرد و هموعان او و خدا را در بر می گیرد. کتاب مزامیر را با لطافت طبع «آئینه تقوای» کتاب مقدس نامیده اند. مزامیر در حقیقت با دید بصیرانه ای انسان را از رابطه بین خدا و قومش مطلع می سازد. نگارندگان مزامیر برای ما آشکار می سازند که قوم خدا درباره خدا چگونه می اندیشید، با او چگونه صحبت می کرد و نسبت به او چه رفتاری داشت.

* * *

* *

*

بخش دوم

دعا در عهد جدید

بدون شک، دعای عهد جدید از دعای عهد عتیق ریشه می گیرد. مطالعه ای دقیق این حقیقت را آشکار می سازد که خصوصاً مزامیر، در ذهن مسیحیان اولیه بسیار زنده بود. موضوعاتی چون «سنگی را که بنایان رد کردند همان سر زاویه گردید» یا «مردم جهان شورش می کنند و قومها به باطل می اندیشند» یا «خداوندی که آسمان و زمین را آفرید» همه افکار و بیاناتی است که در مزامیر یافت می شود معهذا این عقاید در جامعه مسیحیان اولیه نیز بسیار متداول بوده است. برای پی بردن به این موضوع مزامیر زیر را با آیه های مربوط به آن در کتاب اعمال رسولان مقایسه نمایید: (مزمور ۱۱۹: ۲۲ با اعمال رسولان ۴: ۱۱؛ مزمور ۱: ۳ با اعمال رسولان ۴: ۲۵؛ مزمور ۱۴۷: ۶ با اعمال رسولان ۴: ۲۴). متون فوق الذکر این مطلب را می رساند که این مردم با دید و اندیشه ای روحانی که از «عهد عتیق» به میراث برده بودند، زندگی و دعا می کردند. این مزامیر همچنین تداوم شگفت انگیز تاریخ رستگاری را آن گونه که در قوم خدا مشاهده می شد، نشان می دهد.

اطمینان به مستجاب شدن دعا

صفت مشخصه دعا در زمان عهد جدید، اطمینان بی حدی است که به عملی شدن آن وجود دارد. مسیحیان اولیه معتقد بودند که محبت خدا نسبت به آنان، ضامن استجاب دعاهایشان می باشد. عیسی آنقدر به کرات و با اطمینان درباره محبت و توجه پدر نسبت به آنها صحبت کرده بود که هرگز نمی توانستند این محبت و اثرات آن را فراموش کنند. «آیا قیمت پنج گنجشک دو ریال نمی باشد؟ اما هیچکدام از آنها از نظر خدا دور نیست. علاوه بر این حتی موهای سر شما

تماماً شمرده شده است. هیچ نترسید شما از گنجشک های بی شمار بیشتر ارزش دارید» (متی ۱۰: ۳۱؛ لوقا ۱۲: ۶-۷). علاوه بر این مسیح به آنان اطمینان کامل داده بود که خدا دعای آنان را می شنود. «بخوایید، به شما داده خواهد شد. بجوئید، پیدا خواهید کرد. بگوئید، در به رویتان باز خواهد شد» (متی ۷: ۷). هیچکس درباره آنچه باید در دعا از خدا درخواست نماید، به خود شک راه نمی دهد. مثلهایی که مسیح درباره محتوای دعا می آورد و تأکیدات مستقیم او در این مورد بسیار صریح و روشن است: «بنابراین به شما می گویم یقین بدانید که آنچه را در دعا طلب می کنید خواهید یافت و به شما داده خواهد شد» (مرقس ۱۱: ۲۴).

کسی که ایمان و اعتقاد به خدا را در خود می پروراند نباید تردیدی در اجابت درخواست هر آنچه که برای زندگی یا ابدیت ضروری است، داشته باشد. خدا به قدری به زندگی مردم علاقمند است که هر چیزی که برای زندگی ایشان مهم باشد، برای او نیز دارای اهمیت است. به عنوان مثال حضرت پولس برای به سلامت رسیدن به روم دعا می کند: «همیشه در وقت دعا شما را به یاد می آورم و درخواست می کنم که در صورت امکان اگر خدا بخواهد بالأخره به دیدن شما موفق شوم» (رومیان ۱: ۱۰).

به طور خلاصه، هیچ موقعیتی در زندگی از تأثیر با نفوذ دعا مبرا نیست.

دعای التماس و درخواست

در رسالات پولس رسول دعای التماس غالباً برای به دست آوردن عطایای روحانی است. پولس برای تسالونیکیان، درخواست می کند که ایمانشان بارور و عمیق گردد: «شب و روز با التماس دعا می کنیم که روی شما را ببینیم و نواقص ایمان شما را بر طرف سازیم» (۱- تسالونیکیان ۳: ۱۰). او نیز از دیگران می خواهد که برای موفقیت مأموریتش دعا کنند: «دیگر اینکه، ای برادران، برای ما دعا کنید تا همان طور که پیام خداوند با سرعت در میان شما به پیروزی رسید در سایر جاها نیز منتشر شود» (۲- تسالونیکیان ۳: ۱). پولس نعمتهای روحانی مختلفی را از خداوند برای دیگران تقاضا می کرد: «دعایم این است که محبت شما

همراه با آگاهی و کمال دانایی همچنان رشد کند، تا همه چیز را بیازمایید و عالی ترین آنها را انتخاب کنید. آن وقت در روز عظیم مسیح بی عیب و بی تقصیر خواهید بود...» (فیلیپیان ۱: ۹-۱۰). به کولسیان نیز می گوید: «به این جهت از همان روزی که این را شنیدیم ما همیشه برای شما دعا می کنیم و از خدا می خواهیم که شما به وسیلهٔ بینش و فهم روحانی اراده او را کاملاً درک کنید» (کولسیان ۱: ۹). با در نظر گرفتن این متون نتیجه می گیریم که پولس رسول دعای التماس را بیش از هر چیز مختص کار بشارت انجیل می دانست.

دعای شکرگزاری

دعای سپاسگزاری در عهد جدید نیز جای خود را دارد مثلاً برکت دادن غذا که در حقیقت یک نوع دعای سپاسگزاری است، شناخته شده و رایج بود. بعد عیسی پنج نان و دو ماهی را گرفت، به آسمان نگاه کرد و خدا را شکر نموده و نان را پاره کرد و به شاگردان داد (مرقس ۶: ۴۱). حق شناسی و سپاسگزاری یک جذامی، مثال دیگری در این مورد است: «یکی از ایشان وقتی دید شفا یافته است در حالی که خدا را با صدای بلند حمد می گفت، بازگشت و خود را پیش پاهای عیسی انداخت و از او سپاسگزاری کرد...» (لوقا ۱۷: ۱۵-۱۶).

اهمیتی که پولس رسول به دعای شکرگزاری می دهد از آنجا معلوم می شود که در رسالات خود حدود چهل و هفت بار از کلمه مخصوص دعای شکرگزاری یا کلماتی مترادف آن در زبان یونانی استفاده می کند. او با اصرار لزوم دعای سپاس را به مردمش تأکید می کند «آرامشی که مسیح به شما می بخشد قاضی وجدان شما باشد، چون خدا شما را به عنوان اعضای یک بدن به این آرامش خوانده است و شما باید سپاسگزار باشید» (کولسیان ۳: ۱۵).

یکی از خصایص برجسته اشارات پولس به شکرگزاری این است که عموماً آن را به رستگاری مربوط می سازد. از دیدگاه او دعای سپاسگزاری پاسخی منطقی به فیض و بخشش خداست یا به عبارت دیگر، انگیزه شکرگزاری، نجات و رستگاری

است. او از طرف خودش، از خدا قدردانی می کند: «من چه آدم بدبختی هستم، این بدن مرا به سوی مرگ می کشاند. کی می تواند مرا از دست آن آزاد سازد؟ خدا را به وسیله خداوند ما عیسی مسیح شکر می کنم که چنین کاری را کرده است...» (رومیان ۷: ۲۴-۲۵).

«پیوسته خدا را برای این نیز شکر می کنم که وقتی پیام خدا را از ما شنیدید آن را به عنوان پیامی از جانب بشر نپذیرفتید بلکه آن را از طرف خدا دانستید و در حقیقت همین طور هم هست و اکنون در میان شما ایمانداران عمل می کند» (۱- تسالونیکیان ۲: ۱۳).

در اینجا پولس از دعای شکرگزاری در مورد پذیرش کلام پیروزمندان خدا به وسیله دیگران سخن می گوید و این بار مقصودش تسالونیکیان است. حضرت پولس در مورد ایمان کلیسای روم نیز به همین طریق شکرگزاری می کند: «قبل از هر چیز خدای خود را به وساطت عیسی مسیح برای همه شما شکر می کنم زیرا ایمان شما در تمام دنیا شهرت یافته است» (رومیان ۸: ۱). در این رساله نیز مثل سایر رسالاتش، پولس از طریق مسیح از خدای پدر تشکر می کند، چون به وسیله عیسی است که تمام وعده های رستگاری به اوج خود می رسد.

موفقیت در دعا

عهد جدید به وضوح اعلام می دارد که موفقیت در دعا مشروط بر این است که انسان با عزمی راسخ، طبق اراده و قانون خدا زندگی نماید. کسی که نسبت به قوانین خدا با تکبر رفتار می کند نباید از دعا انتظار زیادی داشته باشد. «اگر از خدا هم بخواهید دیگر حاجت شما برآورده نمی شود چون با نیت بد و به منظور ارضای هوسهای خود آن را می طلبید» (یعقوب ۴: ۳). فریسیان به شدت مورد انتقاد قرار می گیرند زیرا: «مال بیوه زنان را می بلعند و محض خودنمایی نماز را طول می دهند. به خاطر این گناه است که کیفر آنها سخت تر خواهد بود» (مرقس ۱۲: ۴۰).

دعا مستلزم شرایط خاصی است، یعنی انسان باید با خدا و هموعان خود در صلح و آشتی باشد: «پس اگر هدیه خود را به قربانگاه ببری و در آنجا به خاطر

بیاوری که برادرت از تو شکایتی دارد، هدیه خود را جلوی قربانگاه بگذار و اول برو با برادر خود آشتی کن و آنگاه برگرد و هدیه خویش را تقدیم نما» (متی ۵: ۲۳-۲۴).

هر انسانی در شرایط خاص زندگی خویش باید سعی کند که از گناه مبرا باشد، در غیر این صورت، تأثیر دعای وی با هر تقصیر و گناهی به مخاطره می افتد. پطرس در مورد تأثیر رفتار انسان بر مستجاب شدن دعایش می گوید: «شما نیز ای شوهران، باید رفتارتان با همسرانتان همیشه با ملاحظه باشد و چون آنها جنس لطیف هستند و در فیض حیات با شما سهیم و شریک می باشند با عزت و احترام با آنها رفتار کنید مبادا دعای شما مستجاب نشود» (۱- پطرس ۳: ۷). ضمناً باید در مورد دعا بینشی جدی و واقعی داشت و به این حقیقت که زندگی انسان ناپایدار و عمر وی محدود است، واقف بود. «پایان همه چیز نزدیک است. باید حواس شما جمع باشد و با هوشیاری و وقار دعا کنید» (۱- پطرس ۴: ۷). دعای مسیحی باید گویای انتظار و بیداری باشد.

تواضع در دعا

تواضع و فروتنی، از خصوصیات اصلی دعاست و این پیامی است که مثل عبادت فریسی و باجگیر، به ما می دهد (لوقا ۱۸: ۹-۱۴). این مثل دو حالت روحی را در نظر می گیرد. اول حالت فریسی از خودراضی را که به نظر خودش انسان درست و کاملی است و محور دعایش خود او می باشد بنابراین دعایش نه درخواست است و نه شکرگزاری بلکه فهرستی است از صفات خود که به نظر وی عالی می باشد. در دعایش نه اثری از اتکاء به خدا دیده می شود و نه حس گناهکار بودن وی. از طرف دیگر، باجگیر به موقعیت خود با یأس و ناامیدی می نگرد و خود را در حضور خدا گناهکار محسوب می نماید. او بخشش خدایی را طلب می کند که انسان را نه به خاطر لیاقتش بلکه به خاطر رحمت بی کران خویش رستگار می سازد. و این دعای متواضع و عاجزانه باجگیر بود که مورد قبول واقع گشت: «بدانید که این باجگیر بخشوده شد و به خانه رفت و نه آن دیگری...» (لوقا ۱۸: ۱۴).

دعا باید رابطه‌ای عمیق و نزدیک بین بشر و خدا باشد و هرگز نباید به عنوان وسیله‌ای برای بالا بردن مقام و احترام فرد در جامعه مورد استفاده قرار گیرد: «وقتی دعا می‌کنید مانند ریاکاران نباشید، آنان دوست دارند در کنیسه‌ها و گوشه‌های خیابانها بایستند و دعا بخوانند تا مردم آنان را ببینند. یقین بدانید که آنها اجر خود را یافته‌اند. هرگاه تو دعا می‌کنی به اندرون خانه خود برو، در را ببند و در خلوت در حضور پدر نادیده خود دعا کن و پدری که هیچ چیز از نظر او پنهان نیست اجر ترا خواهد داد» (متی ۶: ۵-۶).

این اخطاری است که بدون تظاهر و خودنمایی، به حضور خدا دعا کنیم، البته این بدان معنا نیست که دعای گروهی در عبادت‌های دسته جمعی منع شده است، زیرا انجیل تردیدی در تجلیل از دعای دسته جمعی باقی نمی‌گذارد: «نیز بدانید که هرگاه دو نفر از شما در روی زمین درباره آنچه که از خدا می‌خواهند یکدل باشند، پدر آسمانی من آن را به ایشان خواهد بخشید، زیرا هر جا که دو یا سه نفر به نام من جمع شوند من آنجا در میان آنان هستم» (متی ۱۸: ۱۹-۲۰).

گاهی اوقات دعا به درگاه خدا اختیاری نیست بلکه لازم و ضروری می‌باشد و این همان حالتی است که برای تمام اعمال روحانی پیش می‌آید. هنگامی که عیسی شاگردانش را دو به دو برای بشارت به نقاط مختلف فرستاد، به آنها گفت که محصول زیاد است ولی کارگر بسیار کم و بجای اینکه آنها را تشویق کند که با زحمت و سختی کار کنند از آنها خواست که دعا نمایند: «به آنان فرمود: محصول فراوان است، اما کارگر کم، پس باید از صاحب محصول تقاضا کنید که کارگرانی برای جمع‌آوری محصول بفرستد» (لوقا ۱۰: ۲). زیرا در واقع تنها خداست که رستگاری و نجات را به انجام می‌رساند و بشر در نهایت قادر است با خدا همکاری کند یا به عبارت دیگر خود را به عنوان وسیله‌ای برای انجام کار نجات در اختیار خدا قرار دهد. «کسی که می‌کارد یا کسی که آبیاری می‌کند، اهمیت زیادی ندارد، در رشد و نمو گیاه، کار عمده با خداست... زیرا در خدمت خدا، ما همکاران او هستیم و شما مزرعه او و عمارت او هستید» (۱-قرنتیان ۳: ۷، ۹).

کلیسای اولیه آشکارا پیرو این عقیده بود و ایمان داشت که در مأموریت خود یعنی در دادن بشارت انجیل به منظور رستگاری انسانها به جهان، خدا مهمترین نقش را ایفا می کند. بنابراین می بایست که همه تحت حمایت و هدایت خدا پیش بروند. جامعه مسیحیان نیز که می بایست یک نفر را بجای یهودا انتخاب می کردند تا به اتفاق یازده رسول دیگر، شاهد رستاخیز عیسی مسیح باشند، به هنگام این انتخاب به خدا روی آوردند و دعا کرده گفتند: «ای خدایی که از قلوب همه انسانها آگاهی، به ما نشان بده که کدام یک از این دو نفر را برگزیده ای» (اعمال رسولان ۱: ۲۴).

پایداری در دعا

عهد جدید با تأکید و اصرار فراوان، پشتکار در دعا را به ما می آموزد و برای اینکه اهمیت آن را به ما نشان دهد مثلی می آورد: «فرض کنید یکی از شما دوستی داشته باشد و نیمه شب پیش آن دوست برود و بگوید: «ای دوست، سه قرص نان به من قرض بده یکی از دوستانم که در سفر بود به خانه من وارد شده است و چیزی ندارم پیش او بگذارم» و او از داخل جواب دهد: «مزاحم من نشو حالا در قفل شده است و من و بچه هایم به رختخواب رفته ایم و نمی توانم برخیزم تا چیزی بتو بدهم.» بدانید که حتی اگر از روی رفاقت برای او حاضر نکنند همان سماجت او را وادار خواهد کرد که برخیزد و هر چه را دوستش احتیاج دارد به او بدهد» (لوقا ۱۱: ۵-۸). نکته اصلی این مثال در یک دلیل کاملاً گویا نهفته است یعنی اگر دوستی حتی به خاطر سماجت رفیقش آنچه را که وی می خواهد در اختیارش می گذارد تا از سرش دست بردارد، چقدر بیشتر خدا به التماس کسی که کمک می طلبد، جواب خواهد داد. البته نباید بی میلی دوست را برای کمک کردن به رفیقش به خدا نیز نسبت داد، زیرا به قول حضرت اگوستین «خدا بیش از آنکه ما برای دریافت کردن مایلیم، مشتاق بخشیدن است.»

هدف از نقل این مثل تقویت روحیه شخصی است که دعا می کند و از آنجا که خدا ثبات و استواری در دعا را می پسندد به او اطمینان می دهد که اگر در دعا

نمودن ثبات و پایداری داشته باشد، دعایش را خواهد شنید. این بدان دلیل نیست که خدا می‌خواهد حوصله خود را آزمایش نماید، بلکه می‌خواهد کسی را که دعا می‌کند به صبر و شکیبایی تشویق نماید. به عنوان مثال افلیجی که در کنار حوض سیلوحا انتظار می‌کشید، مرد نابینای شهر اریحا و زن کنعانی نیز در دعای خود صبر و شکیبایی را تجربه نمودند (ر.ک. یوحنا ۵: ۱ و ادامه، مرقس ۱۰: ۴۶ و ادامه، متی ۲۲: ۱۵ و ادامه). تأمل و تأخیر خدا در برآوردن حاجت‌های خواسته شده تنها به این دلیل است که دعا کننده را در عزمش راسخ‌تر و مصمم‌تر سازد. این تأمل باعث می‌شود که بشر عظمت و بی‌کرانی لطف خدا را بهتر درک کند.

عیسی در دعا

دعای عیسی تعیین کننده شیوه و سبک دعا در عهد جدید است و انجیل به کرات به مسیح که در حال دعاست اشاره می‌کند. عیسی در خلوت باغ جتسیمانی و در تنهائی‌اش بر صلیب، دعا می‌کرد. او حتی قبل از شفا دادن نیز به دعا متوسل می‌شد و پیش از آنکه ایلعازر را از مرگ برخیزانید دعا کرده گفت: «... ای پدر، تو را شکر می‌کنم که سخن مرا شنیده‌ای» (یوحنا ۱۱: ۴۱ و ادامه). عیسی رسوم باستانی یهودی را در مورد شکرگزاری قبل و بعد از غذا، نیز اجرا می‌کرد. در انجیل بارها دیده می‌شود که عیسی عمیقاً و برای مدتهای طولانی در دعا فرو می‌رفت (ر.ک. لوقا ۶: ۱۲). عزلت عیسی در صحرا به مدت چهل روز روزه نیز در واقع نوعی دعای طولانی بود (ر.ک. لوقا ۴: ۱). همان‌طور که صحرا قبلاً برای موسی و ایلای نبی خلوتگاهی برای تقرب به درگاه خدا محسوب می‌گشت، برای عیسی نیز مکان ملاقات با خدای پدر بود. این اشاره‌ها و سایر اشاراتی که در عهد جدید به دعای عیسی شده، (به‌خصوص دعای عیسی که در انجیل یوحنا باب ۱۷ نقل شده)، همه نمایانگر این حقیقت است که عیسی به‌طور ناگهانی و در مواقع معین به دعا نمی‌پرداخت یعنی دعا برای وی الهامی زودگذر نبود که گاه‌گاهی به آن مشغول شود، بلکه دعا برای مسیح یک گرایش درونی، یعنی گفتگویی دائمی بین او و خدای پدر بود.

عادت عیسی به دعای دائمی، در زندگی حضرت پولس نیز منعکس گردید. حضرت پولس بارها از پشتکار در دعا و عبادت صحبت می‌کند: «شب و روز با التماس دعا می‌کنیم که روی شما را ببینیم...» (۱- تسالونیکیان ۳: ۱۰). پولس که به این طرز، دعا می‌کرد، از سایر ایمانداران نیز می‌خواست که چنین دعا کنند: «پیوسته دعا کنید» (۱- تسالونیکیان ۵: ۱۷).

مسیح، شفیع بشر است

مسیح والاترین شفاعت کننده است: «او قادر است که آنانی را که به وسیله وی نزد خدا آیند نجات بی نهایت بخشد چونکه دائماً زنده است تا شفاعت ایشان را بکند» (عبرانیان ۷: ۲۵). مسیحیان نیز مانند عیسی ولی به طریقی محدودتر عمل نموده، برای هموعان خود به درگاه خدا شفاعت می‌کنند: «نزد یکدیگر به گناهان خود اعتراف کنید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا یابید زیرا دعای مرد عادل در عمل قوت بسیار دارد» (یعقوب ۵: ۱۶). در اینجا حضرت یعقوب به ایلای نبی اشاره می‌کند که چطور با دعای خالصانه خویش توانست تأثیر فراوانی بر زندگی هموعان خود بگذارد.

کتاب اعمال رسولان شهادت می‌دهد که چطور مسیحیان اورشلیم برای آزادی حضرت پطرس از زندان به درگاه خدا التماس کردند (ر.ک. اعمال رسولان ۱۲: ۵). حتی دشمنان نیز باید در دعای مسیحیان جایی داشته باشند: شنیده‌اید که همسایه خود را دوست بدار و با دشمن خویش دشمنی کن. اما من به شما می‌گویم دشمنان خود را دوست بدارید و برای کسانی که به شما جفا می‌رسانند دعا کنید. به این وسیله شما فرزندان پدر آسمانی خود خواهید شد (متی ۵: ۴۳-۴۵). دعای مسیح بر روی صلیب برای آنانی که او را مصلوب کردند، گویاترین گواه این گفتار وی می‌باشد: ای پدر، اینها را ببخش، زیرا نمی‌دانند چه می‌کنند (لوقا ۲۳: ۳۴). کتاب اعمال رسولان کلمات حضرت استیفان را که به هنگام شهید شدن، بزرگواری مسیح را نسبت به قاتلان خود با شکوه‌مندی تمام منعکس می‌سازد، نقل می‌کند: «خداوندا، این گناه را به حساب ایشان مگذار» (اعمال رسولان ۷: ۶۰).

در ورای این ندا که برای دشمنانتان نیز دعا کنید، حقیقتی حیاتی و اساسی نهفته است: خدا هم پدر مردمان خوب است و هم پدر افراد بد، هم پدر آنانی است که مورد شکنجه و آزار قرار می‌گیرند و هم پدر آنانی که شکنجه و آزار می‌رسانند. هیچکس نباید آنقدر ریاکار باشد که خود را در برابر دیگران بزرگ جلوه دهد گویی از نظر خدا کاملاً پاک و بی‌گناه است. مسیح در عوض از انسانها می‌خواهد که هیچ کینه‌ای نسبت به دشمنانشان در دل نداشته باشند بلکه آنها را ببخشند. این بخشش بایستی به صورت یک عمل مثبت یعنی دعا باشد، دعایی که به صورت نشانه محبت خدا در می‌آید که در درون انسان ساکن است و زندگی روحانی در آن پرورش می‌یابد.

در یکی از متون عهد جدید که به دعای مسیح اشاره شده، تصویری از اطمینان بی‌نهایت به قدرت خدا بیان شده که یکی از گویاترین ایده‌آلهای دعای مسیحی می‌باشد. در آن شب شوم در باغ جتسمانی، عیسی با اطمینان خاطر به سوی پدر، خدایی که قدرت مطلقش را در آفرینش و تاریخ رستگاری به اثبات رسانیده، رو کرده می‌گوید: «ای پدر، همه چیز برای تو ممکن است، این پیاله را از من دور ساز، اما نه به خواست من بلکه به اراده تو» (مرقس ۱۴: ۳۶).

رابطه بی‌نظیری که در دعا بین پدر و عیسی مسیح وجود داشت به وضوح در عهد جدید جلوه می‌کند. در انجیل تقریباً هیچوقت دعای مسیح با دعاي شاگردان ارتباط داده نشده، مبادا کسی نتیجه بگیرد که دعای انسان همسان و برابر با دعای مسیح و اتحادی است که بین او و خدای پدر وجود دارد.

دعای «ای پدر ما»

دعای «ای پدر ما» دعای کامل و صریحی است که در دو جای عهد جدید یافت می‌شود (ر.ک. متی ۶: ۹-۱۳؛ لوقا ۱۱: ۲-۴). با در نظر گرفتن جایی که لوقا این دعا را در انجیل خود قرار داده در می‌یابیم که دعای «ای پدر ما» به عنوان نمونه کامل دعا آورده شده است. برداشت لوقا از این دعا به یقین همین بوده است، زیرا این دعا را در جایی نقل کرده که بسیاری از تعالیم عیسی را در مورد دعا جمع‌آوری

کرده است. با گنج‌انیدن دعای «ای پدر ما» در این جای بخصوص، لوقا می‌خواهد به این دعا به عنوان دعای الگو و نمونه اشاره کند، دعایی که بیش از هر دعای دیگر، اصول واقعی دعا را آن‌طور که مسیح پایه‌گذاری نمود، در خود گنج‌انیده است. به نظر می‌رسد سنت کلیسا با نامیدن این دعا به عنوان «دعای خداوند» بر صحت این عقیده تأکید می‌کند. این دعا از آن جهت «دعای خداوند» نام گرفته که دعایی نمونه است که خود مسیح آن را بر لبها و درون قلبهای مسیحیان قرار داده است.

یقیناً برخی از قسمتهای «دعای ای پدر ما»، از عهد عتیق اقتباس شده است با این اختلاف که در عهد جدید این لغات و تشبیهات اقتباس شده، معنی مشخص و کاملی به خود گرفته که در عهد عتیق هرگز وجود نداشته است. کلمات اول این دعا، یعنی «ای پدر ما» همین مطلب را تأیید می‌کند. در عهد عتیق خدا البته به عنوان پدر شناخته شده بود ولی فقط به این معنی که خالق انسانهاست. خدا همچنین در نظر قوم اسرائیل به خاطر پیمانی که با آنها بسته بود، پدر تلقی می‌شد. بنابراین در این دعا کلمه پدر تمام این مفاهیم عهد عتیق را علاوه بر مفهوم تازه آن در عهد جدید دارا می‌باشد. خدا پدر است چون محبتش را با فرستادن پسرش که رستگاری را برای همه به ارمغان آورد به اثبات رسانید، به عبارتی فقط مسیح پسر خداست، ولی مسیحیان نیز به دلیل اتحادی که با مسیح دارند می‌توانند خدا را پدر بنامند.

احتمالاً مسیحیان اولیه این دعا را برای آینده در نظر داشتند، مخصوصاً در ایام آخر و در زندگی آینده. این تصور در نتیجه تحقیق عمیق بر روی این دعا، طبق مفهوم و کاربردی که در زمان عهد جدید وجود داشت، پدید آمده است. به هر حال این برداشت گروهی از محققین کتاب مقدس می‌باشد.

اشاره به خدا به عنوان پدر شدیداً دلالت بر زمان آخرت دارد زیرا تنها در آن زمان است که مسیحیان به‌طور کامل فرزندان خدا خواهند شد: «... پاداش سرشاری خواهید داشت و فرزندان خدای متعال خواهید بود...» (لوقا ۶: ۳۵). در اینجا فعل «خواهید داشت» که در زمان آینده به کار رفته از اهمیت خاصی برخوردار است.

آثار امور مربوط به آخر دنیا در سراسر دعای «ای پدر ما» یافت می شود. در اولین درخواستی که در این دعا آورده شده، از خدا خواسته می شود که نام خود را جلال دهد. در طرز تفکر مسیحیان اولیه سامی نژاد (عبرانیان)، این عمل در حکم آن بود که خدا خودش را جلال دهد، زیرا برای آن مردمان اسم یک شخص با خود آن شخص مطابق بود. کمال جلال یافتن نام خدا در پایان این دنیا انجام خواهد گرفت. درخواست بعدی برای آمدن ملکوت خداست. واقعه ای که تنها در پایان زمان به طور کامل تحقق می یابد. تنها در آن زمان است که فرمانروایی جهانی خدا برقرار خواهد گشت.

با دعا کردن برای انجام شدن اراده خدا بر روی زمین، مسیحیان اولیه به فکر تحقق یافتن نقشه نجات خدا بودند زیرا می دانستند که این امر نیز تنها در آخر زمان به کمال خواهد رسید.

با اشاره به «نان روزانه» در ترجمه فارسی دعای «ای پدر ما»، ممکن است مفهوم آن کاملاً گویا و واضح نباشد. عده ای از مفسرین کتاب مقدس معتقدند که با درخواست نان روزانه در واقع آنچه از خدا می طلبیم نان حیات است، یعنی نانی که در ضیافت آسمانی روز باشکوه بازگشت مسیح خورده خواهد شد. سپس آنانی که این دعا را به حضور خدا تقدیم می دارند تقاضا می کنند همان طور که هموعان خود را بخشیده اند، در داوری نهایی، خدای پدر نیز آنان را ببخشاید.

و بالأخره فریادی عاجزانه برمی خیزد که از عذاب روزهای آخر خلاصی یابیم و به نظر می رسد که کلمات «ما را در آزمایش میاور» همین مفهوم را می رساند و به مبارزه عظیم و نامحدود بین خدا و شیطان اشاره می کند. در کتاب مکاشفه، خود مسیح قول می دهد که آنانی را که به وی تعلق دارند از این آزمایش حفظ نماید: «زیرا مطابق تعالیم من رفتار کردی و نسبت به من وفادار ماندی من نیز تو را از آزمایش سختی که قرار است بر تمامی جهان واقع شود و ساکنانش را بیازماید حفظ خواهم کرد» (مکاشفه ۳: ۱۰). منظور از «ما را از بدی رهایی ده» این است که ما را از «بد» یعنی از شیطان، در جنگ عظیمش با خدا در روزهای آخر، رهایی ده.

بنابراین طبق فرضیه فوق، دعای «ای پدر ما» دعایی است که با اشتیاق به آینده، یعنی به روزهای آخر که زمان بازگشت دوم مسیح است می‌نگرد، زمانی که پیروزی خدا به کمال می‌رسد و نقشه نجات وی کاملاً تحقق می‌یابد. بدیهی است که مسیحیان امروزه نیز باید به اندازه مسیحیان صدر مسیحیت به وقوع این حوادث اعتقاد داشته باشند.

معنای حرکات در هنگام دعا کردن

به احتمال زیاد مسیحیان اولیه عادت داشتند که به هنگام دعا به طرف مشرق بایستند یا در حالت زانوزده دعا کنند. از نظر آنان مشرق سمت و جهت مسیح رستاخیز کرده ای بود که زمانی از آنجا باز می‌گشت. اگر این فرضیه‌ها درست باشد بدان معناست که برداشت و حالت درونی مسیحیان اولیه از وضع و حالتی که به هنگام دعا به بدن خود می‌دادند، پیدا بود و این موضوع تأیید می‌کند که دعای مسیحیان اولیه به سوی مسیح بود و ضمناً این دعا گویای شناخت آنان از مسیح و واگذار ساختن خود به وی بود.

مصرفاً گفته شده که دعای عهد جدید ثمره رشد روحانی عهد عتیق است. آنچه بیش از هر چیز دیگر به دعای مسیحی خصوصیتی مختص به خود می‌بخشد، این است که گرایش آن به سوی مسیح می‌باشد. مسیحیان اولیه به نام مسیح و به سوی او دعا می‌کردند (ر.ک. اعمال رسولان ۷: ۵۹، ۹: ۱۴، ۹: ۲۱) و دعای آنان از احساس اتحادی که با مسیح، و از طریق او با یکدیگر داشتند، ناشی می‌شد.

* * *

* *

*

بخش سوم

دعا در کلیسا

قصد ما این نیست که در این جا وسعت کامل دعا در کلیسا را توضیح دهیم. اگر بخواهیم از دعا‌های رایج در کلیسا نمونه‌هایی ذکر کنیم تا نشان داده شود که واقعاً طبق سنت دعای عهد جدید می‌باشد، کار مشکلی نخواهد بود. اما هدف ما در اینجا این است که نشان دهیم چگونه دعاها و تعالیم مربوط به کتاب مقدس در کلیسا به یکدیگر می‌پیوندند و الگوی دعای امروزی مسیحیت را تشکیل می‌دهند. هر انگیزه‌ای که انسان را به دعا وامی‌دارد، خواه میل به دریافت چیزی از خدا و خواه نیاز به شکر و ستایش نمودن وی، نتیجه و اثر آن یکی است یعنی بین انسان و خدا تماس برقرار می‌شود. این موضوع چه برای امروز و چه برای زمانهای عهد عتیق و عهد جدید نیز صادق است. اما اینکه در هر موقع و زمانی انسان به چه طریق و تا چه اندازه‌ای توانسته است به خدا نزدیک شود، متفاوت می‌باشد. انسانهای عهد عتیق به ناچار خود را به تماسی با خدا قانع می‌ساختند که به حد کمال نبود. خدا برایشان کارهایی کرده و به آنان سخنانی گفته بود و تنها از راه این اعمال و سخنان بود که انسان می‌توانست به وجود خدا پی ببرد. در عهد جدید انسان می‌تواند با دعا کردن، به اتحاد نزدیکتر و کامل‌تری با خدا دست یابد. زیرا در عهد جدید برخلاف عهد عتیق که انسان گوینده کلام را ملاقات می‌کرد، خود کلام را به عنوان یک شخص ملاقات می‌نماید: «... و کلمه خود خدا بود... پس کلمه انسان شد و در میان ما ساکن گردید. ما جلالش را دیدیم، جلالی شایسته فرزند یگانه پدر و پراز فیض و راستی» (یوحنا ۱: ۱۴). در واقع از زمان عهد جدید به بعد، تنها راه ممکن برای دست یافتن به خدا، مسیح است. از طریق راز تن‌گیری است که به تثلیث می‌رسیم و این یکی از مهمترین هدفهای راز تن‌گیری می‌باشد که خدا را بر زمین آورده و در دسترس ما قرار دهد:

«کسی هرگز خدا را ندیده است اما آن فرزند یگانه‌ای که در ذات پدر و از همه به او نزدیکتر است او را شناسانیده است» (یو ۱: ۱۸). در زندگی مسیح است که خدا به ما ظاهر می‌گردد، زیرا: «...هر که مرا دید پدر را دیده است» (یو ۱۴: ۹). «و اکنون هر دو به وسیله مسیح اجازه داریم که در یک روح، یعنی روح القدس به حضور خدای پدر بیاییم» (افسیان ۲: ۱۸). جلال خدا را می‌توان در مسیح مشاهده نمود: «یقین بدانید که شما آسمان را گشوده و فرشتگان خدا را در حالی که بر پسر انسان صعود و نزول می‌کنند خواهید دید» (یوحنا ۱: ۵۱). حضرت پولس در مورد مسیح می‌گوید: «تمام گنجینه‌های حکمت و معرفت الهی در مسیح نهفته است» (کولسیان ۲: ۳). بنابراین آنانی که طبق عهد جدید دعا می‌کنند باید از راه مسیح دعا نمایند و دعای خود را مطابق هر آنچه مسیح بر روی زمین گفت و انجام داد پایه‌گذاری کنند، زیرا سخنان و اعمال مسیح کمال وحی و الهام خدا هستند. اگر انسان می‌خواهد طبق آنچه به او الهام شده با خدا متحد شود نمی‌تواند خود را از مسیح مجزا و جدا سازد.

دعای رسمی کلیسا

از این رو این حقیقت که مسیح تا این حد اعلیٰ مرکز دعای کلیسا را تشکیل می‌دهد نباید موضوع تعجب‌آوری باشد. این امر در مورد هر دو نوع دعای کلیسا یعنی دعای رسمی و دعای شخصی آن صادق است و آوردن شواهدی جهت تأیید این موضوع کار مشکلی نیست. برای نشان دادن این حقیقت که مسیح مرکز و هسته اصلی دعای رسمی کلیسا است به این مطلب اشاره می‌کنیم که دعا‌های کلیسا غالباً با کلمات «به وسیله خداوند ما عیسی مسیح...» ختم می‌شود.

حتی به هنگامی که کلیسا رسماً مقدسین را مورد احترام قرار می‌دهد، چیزی از اهمیت مسیح نمی‌کاهد، بلکه برعکس به آنان متوسل می‌شود زیرا ارتباط نزدیکتری با مسیح دارند. از طریق مقدسین، مسیح را می‌طلبند. کلیسا از طریق زنده و نمایان دعای رسمی خود، موقعیتش را نسبت به مقدسین چه با دعا کردن به آنان و چه با هر نظری که در مورد آنان دارد، اعلام می‌نماید، قرائتی که برای

مراسم عشای ربانی روز «همه مقدسین» انتخاب شده مثال بسیار خوبی است. این قطعه که از مکاشفه گرفته شده مقدسین را در شکوه آسمانی خود در حالی که به دور بره (مسیح) جمع شده اند تا او را بستایند، مجسم می سازد: «بعد از این نگاه کردم و گروه کثیری را دیدم که بشمار نمی آمد. از همه ملل و همه قبایل و امتهای زیبا در جلوی تخت و در مقابل بره ایستاده بودند. آنها لباس سفیدی به تن داشتند و شاخه نخلی بدستشان بود و با هم فریاد می زدند "نجات ما از جانب خدایی است که بر تخت می نشیند و از جانب بره است" و همه فرشتگانی که در پیرامون تخت بودند همراه با پیران و آن چهار حیوان در جلوی تخت چهره بر زمین نهاده و خدا را عبادت کرده می گفتند: "آمین، حمد و جلال و حکمت، سپاس و حرمت، قدرت و قوت از آن خدای ما باد، تا به ابد آمین"» (مکاشفه ۷: ۹-۱۲).

دعای شخصی

در دعاهایی که کلیسا برای استفاده شخصی اعضای خود فراهم می آورد مسیح مرکز و هسته اصلی را تشکیل می دهد. یکی از متداول ترین دعاها که کلیساهای غرب آن را صمیمانه توصیه می نمایند تسبیح حضرت مریم است، دعایی که بر اساس شادیها، غمها و پیروزیهای حضرت مریم بنا گشته، اما طبق انجیل، مریم سمبل کلیسای به کمال رسیده است. بنابراین تسبیح یکی از دعاهای کلیسا در اتحاد با مریم است که محور آن مسیح و رازهای زندگی او می باشد، رازهایی که در این دعا بر روی آن تعمق و تفکر می شود. از نظر کلیسا رازهای رستگاری ما، تمام زندگی عیسی مسیح یعنی رازهای زندگی، رنج و مرگ و رستاخیز و شکوه او را ارائه می دهد. این رازها ستون اصلی تسبیح حضرت مریم را تشکیل می دهد و مسیح همیشه در این رازها حضور دارد.

در کلیساهای شرق گرایش و کشش به دعای دائمی بسیار عمیق است و می توان در آنها کوشش زیاد و توأم با پشتکار را در جهت پیشبرد این فعالیت روحانی مشاهده نمود.

کلمات و گفته های پولس درباره این دعای دائمی در نزد شرقیها همیشه نفوذ زیاد داشته و به آن تمایل خاصی ابراز نموده اند:

«... پیوسته دعا کنید» (۱- تسالونیکیان ۵: ۱۷).

«... همیشه با هدایت روح القدس دعا کنید...» (افسیان ۶: ۱۸).

«... مردان در همه جا دستهای مقدس خود را بلند کرده دعا نمایند» (۱- تیموتاؤس ۲: ۸).

«قبل از هر چیز تأکید می کنم که درخواستها، دعاها، شفاعتها و سپاسها برای همه مردم... به پیشگاه خدا تقدیم گردد...» (۱- تیموتاؤس ۲: ۱-۲).
در اینجا به متنی از کتاب «داستان یک زائر روس» اشاره می کنیم که گویای جوابی بسیار عالی است که از طرف یک راهب به یک فرد مسیحی که در جستجوی این دعای دائمی می باشد داده می شود:

«دعای عیسی» که دعایی درونی و دائمی است، ذکر همیشگی و مداوم نام وی با لبها، قلب و ذهن می باشد که شخص حضور وی را در همه جا، در هر زمان و حتی در طول خواب حس می کند. این دعا به وسیله عبارت «عیسی مسیح خداوند، بر من گناهکار رحم فرما» بیان می شود. تکرار این استغاثه برای کسی که به آن عادت می کند التیام بخش بوده و تا آن حد به تکرار همیشگی آن احساس نیاز می کند که پس از اندک زمانی، دیگر قادر به چشم پوشی از آن نمی باشد و به تدریج به خودی خود در او جریان پیدا می کند.

این استغاثه با استفاده از نام عیسی، طریقی برای تعمق در راز وی می باشد. عبارتی که از آن برای بیان این دعا استفاده می شود، به مسیح القایی می دهد که دارای مفهوم وسیع و نامحدود می باشد:

عیسی، ای مسیح!

عیسی، ای پسر خدا!

عیسی، ای خداوند!

عیسی، ای نجات دهنده... بر من گناهکار، ترحم فرما.

دعا گفتگو است

مسیحیان معتقدند که دعا صحبتی دو جانبه با خداست. صدای انسانی که دعا می کند فریادی بیهوده در هوا نیست. انسان در حال عبادت موجودی تنها نیست که با خود زمزمه می کند، بلکه در حال گفتگو با کسی است که با وی ارتباط دارد. در این ملاقات، خدا اولین کسی است که سکوت را می شکند. کلام او (یعنی وحی الهی) اگر چه قرن‌ها پیش گفته شده هنوز زنده و بسیار گویا و در کلیسایش طنین انداز است.

از آنجا که مسیحی، طبق معنی لغوی کلمه، کسی است که در کلیسا زندگی می کند، بنابراین کلام خدا دائماً در گوش وی طنین می افکند. هنگامی که برای عبادت می آید، طبق همان کلام خدا دعا می کند. پس در اینجا نیز نقش مسیح نقشی بسیار مهم و برجسته است. قرن‌ها پیش از آمدن مسیح، خدا الهام حقیقت خود را به انسان، با زمزمه‌ها و وحی‌هایی پراکنده آغاز کرد. این وحی و الهام در مسیح به کمال خود رسید و روشن، قطعی و کامل گشت: «خدا در ایام قدیم، در اوقات بسیار به راه‌های مختلف به وسیله پیامبران با پدران ما تکلم فرمود. ولی در این روزهای آخر به وسیله پسر خود با ما سخن گفته است. خدا این پسر را وارث کل کائنات گردانیده و به وسیله او همه عالم هستی را آفریده است» (عبرانیان ۱: ۱-۲).

بنابر آنچه در مورد وحی الهی (کلام خدا) گفته شد واضح است که وحی و الهام مقدمه‌ای برای دعا کردن می باشد. کسی که دعا می کند باید به کسی ایمان داشته باشد یعنی به خدایی که قدرت بی‌پایانی جهت عملی ساختن اراده خویش دارد. انسانی که دعا می کند باید از راه الهام یا از طریق دیگر خدا را چون شخصی مقتدر بشناسد.

دعا به سوی موجودی ناشناخته، هرچند که احتمال چنین کاری خیلی کم است، بسیار سطحی و زودگذر خواهد بود و در شخص اعتمادی مبنی بر مستجاب شدن دعا وجود نخواهد داشت. دعا به سوی موجودی متعال نیز که چیزی جز نیروی کور و بی تشخیص نباشد به همان اندازه عاری از معنی و مفهوم خواهد بود. بنابراین ما به وسیله دعا جویای تسلط بر این نیروی کور و ناشناخته نیستیم بلکه ایمان ما به

کسی است که می خواهد با ما در ارتباط باشد و به وسیله دعاست که می توانیم این ارتباط را برقرار سازیم.

بنابراین الهام (وحی) الهی به دلیل آشکار ساختن خدا برای ما، و ارائه نمودن کلام وی، وسیله پرارزشی جهت به وجود آوردن دعا می باشد. بدیهی است که شخص هر چه بیشتر از حقایق وحی الهی مطلع باشد، دعای وی غنی تر و کامل تر خواهد بود.

با گذشت قرن‌ها و تحت نفوذ خدا، قوم خدا شکل و حالت معینی به خود گرفته است. وحی و الهام و ایمان که نتیجه آن می باشد نقش مخصوص خود را ایفا کرده است. بالأخره قوم خدا به شکل امروزی خود یعنی کلیسا که بدن اسرارآمیز مسیح می باشد، در آمده است. آخرین چیزی که می شود در مورد دعای مسیحی گفت این است که مسیحیان به عنوان اعضای بدن رازگونه مسیح، از راه وی، با وی، و در وی دعا می کنند.

سؤالاتی برای بحث گروهی

دعا در عهد عتیق

- ۱- عبرانیان چگونه در دعا‌های خود به خدا نزدیک می‌شدند؟
- ۲- کدامیک از کتابهای عهد عتیق بهترین نمونه دعا‌های عبرانیان را ارائه می‌دهد؟
- ۳- این کتاب در زمان عهد عتیق چگونه مورد استفاده قرار می‌گرفت و امروزه چگونه از آن استفاده می‌شود؟
- ۴- دو حالت اصلی روحی که در این دعاها بیان شده کدامند؟
- ۵- چند خصوصیت دعای «سرود» را که در این کتاب آورده شده، ذکر کنید؟
- ۶- سایر اقسام دعا‌هایی را که در این کتاب یافت می‌شود، شرح دهید.
- ۷- به طور کلی خصوصیات برجسته این دعاها کدامند؟

دعا در عهد جدید

- ۱- آیا مسیحیان اولیه از تشبیهات و عبارات مزامیر استفاده می‌کردند؟
- ۲- صفت مشخصه دعا در عهد جدید چیست؟
- ۳- آیا مسیحیان اولیه می‌پنداشتند که می‌توان به راحتی در دعا خواهان همه چیز شد؟
- ۴- آیا در کلیسای اولیه از دعای شکرگزاری استفاده می‌شد؟
- ۵- آیا مسیحیان اولیه به هنگام صرف غذا دعای شکرگزاری می‌خواندند؟
- ۶- آیا طریق زندگی شخص با موفقیت یا عدم موفقیت دعای وی ارتباطی دارد؟
- ۷- توضیح دهید چگونه داشتن تواضع و فروتنی در دعا اهمیت دارد.
- ۸- آیا از دعای دسته جمعی در عهد جدید نامی برده شده است؟
- ۹- آیا مسیح برای نشان دادن اهمیت پشتکار در دعا مثلی آورد؟
- ۱۰- در مورد روش شخصی دعای مسیح چه می‌توان گفت؟

۱۱- اجتماع مسیحیان برای خارج ساختن پطرس از زندان دست به چه کاری زدند؟

۱۲- چرا باید برای دشمنان خود دعا کنیم؟

۱۳- مسیحیان اولیه چگونه دعای «ای پدر ما» را تفسیر می کردند؟

۱۴- آیا مسیح در دعای مسیحیان اولیه نقشی داشت؟

دعا در کلیسا

۱- چند نمونه ارائه دهید که نمایانگر این واقعیت باشد که اساس و مرکز عبادت کلیسا، مسیح می باشد.

۲- نشان دهید که چگونه مسیح موضوع اصلی دعاها می است که کلیسا جهت استفاده شخصی اعضای خود پیشنهاد می کند.

۳- وساطت مقدسینی که به زندگی ابدی داخل شده اند چگونه بر دعا و عبادت انسان تأثیر می گذارد؟

۴- آیا الهام (وحی الهی) شرط لازم دعا می باشد؟

* * *

* *

*

بخش چهارم

تعلیمات پدران کلیسا

افراهای قدیس

(اواسط قرن چهارم میلادی)

- ۱- دعای پاک از قلبی پاک برمی خیزد. قلبتان را به سوی آسمان برافرازید و چشمهایتان را به زمین خیره نمایید.
- ۲- هنگام دعا سپاسگزاری از پدر و ستایش اعمال او را بجا آورید.
- ۳- در دعا همیشه از یک نوع استفاده نکنید. جبرائیل فرشته همه دعاهای شما را به حضور تخت سلطنت (خدا) می برد.
- ۴- آرامش خدا، آرامش مخلوقات اوست. سعی کنید به هموعان خود آرامش دهید.
- ۵- دعا، گفتگو در برابر بارگاه سلطنت خدا می باشد.

اپرم قدیس

(سال ۳۷۳ میلادی)

- ۱- اقرار به ایمان به وسیله زبان صورت می گیرد و قلب در سکوت دعا را متولد می سازد.
- ۲- راستی و محبت، مانند بالهای پرنده، وابسته به یکدیگرند. راستی بدون محبت نمی تواند به پرواز درآید. و محبت بدون راستی قادر به اوج گرفتن نیست. و یوغ هر یک در ارتباط نزدیک با دیگری است.
- ۳- خوشبخت است کسی که تصمیم گرفته دوست صمیمی ایمان و دعا باشد. او در زندگی مصمم بوده و دعا و ایمان را همراهان خود می سازد.
- ۴- هنگام دعا، قلب باید از پراکندگی دور باشد و برای آن یگانه در یگانگی بماند.

- ۵- بگذار که دعا افکار تاریک را بزدايد، و ایمان امیال را پاک نماید. باشد که شخص افکار پراکنده خود را متمرکز کند و در حضور تو، خود را یکی سازد.
- ۶- دعای برخاسته از دل، باعث گشودن درهای آسمان می شود. و کسی که در گفتگو با ذات الهی می ایستد، موجب خشنودی پسر خدا می شود.

ایواگریوس قدیس

(سال ۳۹۹ میلادی)

- ۱- اگر در دعا مبتدی هستید برنامه دعای خود را ساده در نظر بگیرید و به مرور و با گذشت زمان عمیق تر و مفصل تر کنید. زیرا خداوند شما مهربان است و دعای شما را نه به خاطر کارهای بزرگتان (دعاهای عریض و طویل) بلکه به خاطر نیت قلبی شما می پذیرد.
- ۲- برای انجام چیزهای نیکو عاقل و کوشا باشید و برای بدی کردن نادان و ناتوان.
- ۳- در ابتدای دعا سعی کنید اشک در چشمانتان حلقه زند و ضمن دعا کردن، فیض مخصوصی که خدا به شما داده از خود دور نکنید و به خاطر گفتن مزامیر تعیین شده، دعای باطن را خاموش نکنید.
- ۴- در هنگام دعا تمام افکار نادرست و آلوده را از خود دور کنید. و با خشم به دشمن خود شیطان، تا زمانی که شکست بخورد، پاسخ دهید. سپس خدای شما، دشمنان را محکوم کرده و ضعف شما را تقویت می کند.
- ۵- در زمانی که مشغول دعا هستید، فرشتگان منتخب خدا اطراف شما حلقه می زنند. از طرف دیگر ارواح شیطانی سعی می کنند افکار شما را به سوی اشخاصی که از ایشان ناراحت شده اید، منحرف سازند. تا محبت به خدا را با توجه کردن به مردم، تعویض نمایید.
- ۶- با اعتماد و اطمینان عازم جاده دعا شوید. آنگاه با سرعتی بی نظیر به منزلگاه آرامش، که دژ محکمی در برابر ترس است، خواهید رسید.

قدیس یوحنا ی ایخیدا یا

(نیمه اول قرن پنجم میلادی)

- ۱- همواره باید ذهنی بیدار، مانند سکاندار کشتی، داشته باشید.
- ۲- ساده باشید، تا حکمت او در شما ساکن شود.
- ۳- بگذارید اعمال بیرونی شما، شهادتی بر اعمال درونی باشند. نه این که جلوی مردم تظاهر کنید، بلکه در راستی در حضور سرور عالم.
- ۴- دقت زیادی در هنگام خواندن کتاب مقدس به کار ببرید. تا از آن یاد بگیرید که چگونه با خدا باشید.
- ۵- خدمتکار خدا باشید و آزاد از هر چیز دیگر.
- ۶- روح خود را از قید گناه آزاد سازید و در آزادی بمانید. چون مسیح شما را آزاد ساخته است.
- ۷- خود را اسیر و وابسته به تعریف و تمجید دیگران که معمولاً مردم از آن لذت می برند، ننمایید.
- ۸- برای خود قانون وضع نکنید. چون ممکن است اسیر قوانین خود شوید. آزاد باشید، مانند شخص آزادمندی که به آزادی عمل می کند.
- ۹- کوشش کنید که در درجه اول با خودتان در صلح باشید. از این طریق متوجه خواهید شد که با دیگران در صلح بودن، آسان خواهد بود.
- ۱۰- به خاطر داشته باشید که ثروت واقعی شما در راستی و صداقت نهفته شده است. چون راستی در بردارنده عشق به خدا، آگاهی از حکمت او، و انجام اراده اوست.
- ۱۱- خدا روح است، جایی که روح خدا هست، آنجا آزادی است.
- ۱۲- در همه اوقات اعلامگر انجیل توسط اعمال خود باشید. هنگامی اعلامگر انجیل خواهید بود که راه زندگی انجیل را برای خود در پیش گیرید.
- ۱۳- وقتی خدا پافشاری شما را در دعا می بیند و این که سعی می کنید افکار خود را در هنگام دعا متمرکز سازید، ناگهان فیض سرشار او شما را فرا می گیرد.
- ۱۴- ای برادر، آن قدر مطمئن نباش که در پایان زندگی ات، با شکوه الهی آراسته

شوی. این طرز تفکر باعث بی توجهی نسبت به تعمق در زندگی روحانی و غفلت در تمرکز در دعا خواهد بود. همان طور که اطمینانی به رسیدن کشتی به بندر نیست، برای هر یک از ما نیز تضمینی نیست که در سفر زندگی بدون لغزش به مقصود برسیم.

فیلوکسینوس قدیس

(سال ۵۲۳ میلادی)

۱. قدرت روحی ما بستگی به انجام دعای مداوم دارد.
۲. خدا را باید توسط تن و روح که هر دو متعلق به او هستند، ستایش نمود.
۳. تله های بی شمار و زیرکانه ای توسط شیطان پیش پای ما نهاده شده که باعث گناه کردن می شوند. هدف اصلی شیطان این است که ما را گرفتار کرده و به اسارت خود درآورد.
۴. هنگام تعمید، توسط فیض خدا، روح القدس از طریق آبهای تعمید در ما ساکن می شود. اما مقصود از ساکن شدن او (روح القدس) این نبود که بعضی اوقات در ما بماند و گاهی ما را ترک کند، بلکه ما باید معبد او باشیم. چون واضح است اگر در زمان ارتکاب گناه روح القدس ما را ترک کند، تعمید ما نیز از ما جدا می شود.
۵. به خاطر آوردن حضور روح القدس در خودتان، اعلام خطری به شماست، که از تمام چیزهایی که باعث گناه می شود گریزان شده و اجازه ندهید ناپاکی در شما رخنه کرده و گناه در وجودتان بارور گردد.
۶. هنگامی که قصد دریافت «رازها»ی نجات دهنده ما (تن و خون مسیح) را داریم، باید مانند گناهکارانی محتاج، که می خواهند شفا یابند، رفتار نماییم. زیرا احتیاجی به دارو نیست، مگر در زمان بیماری. روشن است کسی که برای پذیرفتن «رازها» نزدیک می شود، آنها را برای بخشایش گناهانش دریافت می کند.

باوی قدیس

(نیمه اول قرن ششم میلادی)

خلاصه‌ای از نامه‌ مار باوی به یکی از شاگردانش:

- ۱- برای پرستش کامل خدا در پی: پاکی قلب، عشق حقیقی به او، هوشیاری نسبت به افکار خود، روزه (مبارزه بر علیه افکار ناپاک)، و خودداری از خوردن غذای پر تجمل باشی.
- ۲- در مقابل انجام کارهای نیکوی خود، توقع گرفتن پاداش از دیگران نداشته باش. خوشا به حالت اگر خدا پرداخت کننده پاداش تو، از ثروت بی کرانش باشد.
- ۳- خود را با تمام قلب و وجود، به خدا تقدیم کن.
- ۴- در هر آنچه که فکر می کنی، یا سخن می گویی، و یا انجام می دهی، در خاطر داشته باش که خدا حضور دارد و تو را می نگرد.
- ۵- تمام انسانها از یک خاک و غبار ساخته شده اند. چه پادشاه و چه کسی که متولد طبقات پایین جامعه باشد، چه ثروتمند و چه فقیر. بنابراین فکر نکن که شخص فوق العاده‌ای هستی. در آن صورت امتیازاتی را که داری از دست خواهی داد، تا این که متوجه شوی چه موقعیت ناپایداری داشتی.
- ۶- شخص باید بکوشد که طبق خواسته خالقش زندگی کند اگر کسی دستهایش را پس از لمس کردن جسدی بشوید و دوباره برگشته، به آن دست بزند، فایده کارش چیست؟
- ۷- سعی کن تا آنجایی که امکان دارد به خاطر داشته باشی که نه مردم، بلکه خدا تلاش و کارهای نیکوی تو را می بیند. اگر کسی کارها و اعمال خوب خود را نزد دیگران بازگوید و یا به نمایش بگذارد، زندگی روحانی اش مقبول نخواهد بود. شخصی که تنها خدا ناظر اعمال نیکویش هست، در زندگی به درجه‌ عالی رسیده است.
- ۸- دعا، نور برای روح انسان، و نگهبان برای جسم اوست.
- ۹- هنگامی که با دست مشغول صرف غذا برای رفع نیاز بدن هستی، بگذار فکرت خدا را ستایش کرده و او را به خاطر برآوردن احتیاجات تو سپاسگزاری کن.

- ۱۰- همیشه آماده و هوشیار باش، تا مغلوب امیال خود نشوی، زیرا ممکن است بی توجهی، تو را به گمراهی بکشاند.
- ۱۱- همان طور که هیچ گدایی جرأت ورود به قصری که پادشاه در آن ساکن است، ندارد. ارواح شریر نیز جرأت حمله به تو که پیوسته در حال سرودن مزامیر و انجام دعا در باطن هستی، ندارند.
- ۱۲- هر نوع تلاشی را به عمل آور، تا دوستدار توبه کردن باشی. در نتیجه از خیلی از چیزهایی که به یک زندگی پایدار صدمه می زنند، در امان خواهی بود.
- ۱۳- مواظب نجات روح خود باش، و اجازه نده که روح، مطیع جسم شود. بلکه جسم را تحت اختیار روح درآور. آنگاه کوشش تو، بی ثمر نخواهد بود.
- ۱۴- مواظب باش که در مسیح عیسی زندگی کنی. زیرا کسانی که شب و روز در طلب خداوند می باشند، راهی بس طولانی و در عین حال سفری موفق در پیش دارند.

اسحاق قدیس نینوایی

(نیمه دوم قرن هفتم میلادی)

- ۱- وقتی دعا می کنیم، هدف این است که به محبت خدا دست یابیم. چون در دعا، تمام دلایلی که باید خدا را دوست داشت، بر ما آشکار می شوند.
- ۲- اگر خدا در پاسخ دادن به خواسته شما، به کندی عمل می کند، و شما سؤال می کنید اما جوابتان رازود نمی گیرید ناراحت نشوید، زیرا شما از خدا داناتر نیستید.
- ۳- تشنه عیسی باشید، تا شما را از محبت خویش مست و سرخوش نماید.
- ۴- فروتنی، قلب را مهار می کند. وقتی شخصی فروتن می شود رحمت خدا او را فرا گرفته و در آغوش می گیرد.
- ۵- همین که رحمت خدا نزدیک شد، قلب از حضورش آگاه می شود. زیرا، یک حالت اطمینان و نیرو در باطن شما به خروش در می آید.
- ۶- وقتی شخص دروازه های ورود به چیزهای خود را از طریق دعا پیدا می کند، از

دعا کردن شادمان شده، و قلبش از حالت اطمینانی که در او پدید آمده، به وجد می آید.

۷- و چون کسی این را فهمید، دعا را مانند گنجی در خود می یابد، و در نتیجه شادی به هنگام دعا، مسیر دعایش عوض شده، و به خواندن سرودها و سپاسگزاری از خدا تغییر جهت می دهد.

۸- قلب مهربان، قلبی است که برای تمام خلقت سوزان شود. برای تمام انسانها، برای پرندگان، برای حیوانات، و حتی برای ارواح شریر؛ در زمانی که مشغول تفکر درباره آنهاست.

۹- چه زمانی، برای تقدیس شدن و دریافت موهبت های الهی مقدس ت و مناسب تر از زمان دعا کردن است؟ هنگامی که شخص در حال گفتگو با خداست.

۱۰- شما نباید منتظر این باشید که قبل از دعا، تمام افکار پراکنده تان جمع شده، و ذهن شما دور از آشفتگی باشد. این حالت به تدریج و در اثر پشتکار در دعا قابل دسترسی است. در هر حال اگر بخواهید فقط زمانی دعا کنید که ذهن شما پاک و دور از تفکرات دنیوی باشد، هیچ وقت قادر به دعا کردن نخواهید بود.

۱۱- شخصی که هنگام دعا، با برافراشتن دستهایش به سوی آسمان، و یا نهادن صورتش بر زمین، حالت حرمت و احترام را بجا می آورد، فیض زیادی از عرش اعلا، برای فروتنی اش می گیرد.

۱۲- تصور و رؤیای حقیقی عیسی مسیح، خداوند ما، در این نهفته است، که معنی تن گیری او را، که به خاطر ما انجام گرفته، درک نماییم و لبریز از شادمانی شویم.

* * *

* *

*